

## مقاله علمی

# تبیین مفاهیم میراث فرهنگی ناملموس از طریق

## تقابل‌های دوتایی

غلامرضا مختاری<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹)

### چکیده

در سال ۲۰۰۳ با شکل‌گیری معاهده «حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس» این مفهوم به معیاری بین‌المللی در زمینه شناسایی و پاسداری از فرهنگ انسانی تبدیل شد، معاهده‌ای که برخی آن را چرخشی مردم‌شناختی در سیاست‌های حفاظت یا پاسداری از میراث فرهنگی بشر در یونسکو دانسته‌اند. شرح و تبیین مفهوم میراث فرهنگی ناملموس از دو نظر اهمیت دارد: نخست آنکه در قیاس با سایر مفاهیم مرتبط با معاهدات مشابه، جوان‌تر است و دیگر آنکه به دلیل جوهره غیرمادی و سیالش در قیاس با نمودهای مادی و ملموس فرهنگ، نیازمند بحث، مذاقه و تبیین بیشتری است. از آنجایی که این مفهوم بر مبنای یک تقابل یعنی ملموس-ناملموس شکل گرفته است، یکی از راه‌های درک و حتی نقد آن، استفاده از تقابل‌های دوتایی یا دوگانی‌هاست. در این پژوهش یازده دوگانی مرتبط با میراث فرهنگی ناملموس استخراج شد که در خود معاهده و متون مبنایی تدوین‌کنندگان یا شارحان آن آمده است: مواردی مانند شفاهی-مکتوب، فرایند-محصول، حفاظت-پاسداری، جهان‌شمول‌گرایی-نسبی‌گرایی، مادی-غیرمادی، پویایی-ایستایی، تشخیص بیرونی-تشخیص درونی، جهان مالی-جهان جنویی، جماعت-فرد، مرزهای فرهنگی-مرزهای سیاسی و گذشته‌محوری-تداوم در طول زمان. بررسی این تقابل‌ها هم ما را به درک عمیق‌تری از مفهوم میراث فرهنگی ناملموس می‌رساند و هم روشن می‌کند که این تقابل‌ها نمی‌توانند یکدیگر را حذف کنند و مکمل هم هستند و یک همبستگی و نه تضاد، بین تجلیات ملموس و ناملموس میراث فرهنگی بشریت وجود دارد.

**کلیدواژه‌ها:** میراث فرهنگی ناملموس، مردم‌شناسی، یونسکو، تقابل‌های دوتایی، معاهده پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، remokhtari@gmail.com

## مقدمه

اگر بخواهیم فراگیرترین معاهده بین‌المللی را نام ببریم که مفاهیم و قلمرو نفوذ آن با مردم‌شناسی مرتبط است، بی‌شک باید از معاهده «پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس» یاد کنیم که در سال ۲۰۰۳ در کنفرانس عمومی یونسکو تصویب شد. این معاهده را «یک چرخش مردم‌شناختی در سیاست‌های حفاظتی میراث» دانسته‌اند که تعاریف حقوقی‌اش مشابه و مقتبس از مفاهیم عمومی مردم‌شناسی فرهنگی است و نمونه‌ای از یک چارچوب قانونی برای حفاظت از میراث فرهنگی است که «اصطلاحات آن شبیه اصطلاحات تخصصی مردم‌شناسی است» (Pfeilstetter, 2017: 610-11). نکته جالب توجه در این معاهده، توجه و به رسمیت شناختن و ورود به حوزه‌ای از فرهنگ بشری است که در قیاس با فرهنگ ملموس یا فرهنگ مادی، ماهیتی متنوع، متغیر و سیال دارد و با آن متفاوت است. این تفاوت چه به واسطه تنوع و گریز از تعریفی یکه و مطلق، چه از جهت مصادیق و چه از نظر شیوه حفاظت و به رسمیت شناختن یک فرهنگ، خود را نشان می‌دهد.

در کشور ما با وجود اهمیت مردم‌شناختی این مفهوم حقوقی-فرهنگی، آن طور که باید پژوهش دقیق و علمی درباره آن انجام نشده است. هر چند این آشنایی کم محدود به ایران نیست و ذات سیال و چندوجهی میراث فرهنگی ناملموس و از طرفی ملاحظات اصطلاح‌شناسی جدید با جنبه‌های علمی و تناسب حقوقی جهت یک معاهده بین‌المللی، موجب شده است تبیین و تشریح مفاهیم آن همچنان در میان پژوهشگران و عموم جوامع فرهنگی جهان ضروری به نظر برسد. تا جایی که از طرف یونسکو فرایند معرفی و ترویج مفاهیم و تبیین میراث فرهنگی ناملموس، به خودی خود، فعالیتی حفاظتی در این زمینه محسوب می‌شود. با توجه به این ضرورت‌ها و نیازها، مقاله پیش رو قصد دارد به تبیین مفاهیم این معاهده بپردازد؛ تبیینی که در عین معرفی موضوع، فراتر از آن برود و با اتخاذ رویکرد دوگانی‌ها یا تقابل‌های دوتایی، به درک دقیق‌تر مفاهیم مرتبط با میراث فرهنگی ناملموس و شناسایی آن بپردازد و از طرف دیگر در خلال تبیین، پایداری این تقابل‌ها را بیازماید. پیش از این در مقالات مردم‌شناسان مختلف درباره این تقابل‌ها و نقش آن در مفاهیم میراث فرهنگی ناملموس بحث شده که در این مقاله به آنان ارجاع داده شده است. همچنین سمیناری با عنوان «میراث فرهنگی ملموس- ناملموس: دوگانگی پایدار؟» (۲۰۰۶) نیز برگزار شده است. اما این نخستین بار است که به طور

متمرکز به این دوگانی‌ها در فهم یا بررسی میراث فرهنگی ناملموس پرداخته می‌شود. از این رو پرسش‌های اصلی مقاله حاضر عبارت خواهد بود از: میراث فرهنگی ناملموس چیست و چگونه می‌توان آن را از طریق تقابل‌های دوتایی تبیین کرد؟ آیا این تقابل‌ها پایدار هستند؟

### تعاریف، تاریخچه و مفاهیم مبنایی

#### تاریخچه مختصر معاهده میراث فرهنگی ناملموس

پیش از آنکه سراغ تعریف میراث فرهنگی ناملموس و معاهده برویم، شایسته است به معاهده میراث فرهنگی جهانی ۱۹۷۲<sup>۱</sup> توجه داشته باشیم. این معاهده از آن رو مهم است که فراگیرترین و شاخص‌ترین معاهده جهانی در حفظ میراث فرهنگی و طبیعی جهان است و فراوانی اعضای و چارچوب‌های حقوقی قدرتمندی دارد و از الگوی آن بیشترین نزدیکی را به معاهده ۲۰۰۳ دارد (بلیک، ۱۳۹۳). بر اساس این معاهده میراث فرهنگی شامل دو حوزه یا بخش تاریخی و طبیعی می‌شود. در بخش تاریخی مراد از میراث فرهنگی، آثار و بناهای تاریخی، مجموعه‌ای از بناها با یک جوهره مشترک و نیز محوطه‌های باستانی حاصل‌تینده شدن طبیعت و مؤلفه‌های انسانی است. این آثار را باید بتوان به مثابه شاهکارهای خلاقیت بشری در ابعاد جهانی در نظر گرفت و از این رو لازم است دارای ارزش‌های منحصربه‌فرد و ممتاز زیباشناختی، تاریخی، هنری یا علمی باشند تا در فهرست میراث جهانی قرار گیرند. در بخش طبیعی نیز آثار باید دارای ارزش‌های متمایز علمی و زیباشناختی در ابعاد جهانی و به تعبیری مبرز یا برجسته باشند. زیستگاه‌های طبیعی شاخص و منحصربه‌فرد به لحاظ تنوع زیستی و دارای گونه‌های در معرض تهدید از جمله آثاری هستند که این معاهده آنها را شایسته قرار گرفتن در فهرست میراث فرهنگی جهانی می‌داند (Unesco, 2021). اما این معاهده طی سال‌ها مورد انتقاد قرار گرفت و به زعم منتقدان در سیاست‌گذاری و اجرا، به دریافتی غربی از میراث فرهنگی مشروعیت می‌بخشید، زیرا فهرست میراث جهانی نه تنها در تعریف خود اروپامحور ظاهر شده بودند، بلکه تحت سیطره محوطه‌های تاریخی شاخص و بناهای باشکوه تاریخی قرار داشتند. از این رو معاهده ۲۰۰۳ به نوعی این انتقاد را پاسخ می‌داد و نقطه مقابل آن بود، زیرا به تصدیق و مزیت‌بخشی به تجلیات غیرغربی میراث فرهنگی می‌پرداخت (Smith, 2009: 1).

1 The World Heritage Convention 1972

اگر بخواهیم روند توجه بین‌المللی به اهمیت میراث ناملموس را پی بگیریم، باید بگوییم که نخستین تلاش‌ها به منظور حمایت بین‌المللی برای حفاظت از مظاهر فرهنگ عامه یا فولکلور در دهه ۱۹۶۰ میلادی و از خلال قانون مالکیت معنوی انجام شد (Blake, 2001:18). در سال ۱۹۸۹ نیز رخداد مهمی رقم خورد و آن هم کنفرانس عمومی یونسکو بود که در آن به اتفاق آراء توصیه‌نامه حفاظت از فرهنگ سنتی و فولکلور<sup>۱</sup> تصویب شد (Aikawa, 2004: 138). رخداد کلیدی دیگر کنفرانسی جهانی بود که مؤسسه اسمیتسونیان در سال ۱۹۹۹ در واشنگتن برگزار کرد و در آن توصیه‌نامه یونسکو مورد نقد و بررسی قرار گرفت. بر اساس قطعنامه کنفرانس مذکور این توصیه یک سند بین‌المللی دانسته شد که در تفسیر آن دشواری‌هایی وجود دارد و از طرفی رویکرد آن «از بالا به پایین» و حاکمیت‌گراست. همچنین این موضوع مطرح شد که این توصیه فرهنگ سنتی را به شکل مادی و آرشیوی تعریف می‌کند و نقش جوامع فرهنگی در آن به درستی دیده نشده است. این کنفرانس و کتابی که با عنوان «حفاظت از فرهنگ‌های سنتی» منتشر شد، خواستار دیدی پویاتر از سنت‌های فرهنگی بود که بر اساس آن این سنت‌ها امری «زنده» هستند که توسط جوامع حامل آن رسمیت می‌یابند (Kurin, 2004: 68). متعاقب تصویب این قطعنامه، یونسکو انجام مطالعه‌ای مقدماتی را با موضوع استعلام درباره توسعه یک سند معیار جدید برای حفاظت از میراث ناملموس فرهنگی آغاز کرد. نتیجه این مطالعه ضرورت تدوین یک سند معیار جدید برای حمایت از میراث فرهنگی ناملموس بود، زیرا بر اساس استدلال‌های انجام شده «تهیه پروتکل الحاقی به معاهده ۱۹۷۲ در راستای حفاظت از میراث ناملموس دشوار خواهد بود، زیرا این امر مستلزم بازنویسی قسمت‌های اصلی معاهده موجود است، به‌ویژه بخشی که به تعریف میراث فرهنگی می‌پردازد». بر اساس این مطالعه «اسناد رسمی بین‌المللی موجود در زمینه میراث فرهنگی و مالکیت معنوی برای حفاظت از این میراث ناکافی هستند و تدوین یک سند معیار جدید توسط یونسکو، حرکتی مهم در مهیا کردن شرایط برای حفاظت از این میراث است» (Aikawa, 2004:142). پس از این مطالعه اقدامات مختلفی برای تعریف میراث فرهنگی ناملموس و تدوین چارچوب مفهومی معاهده و طی کردن مراحل قانونی انجام شد. در نهایت کنفرانس عمومی یونسکو، در سی و دومین نشست خود که در ۲۹ سپتامبر تا ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳ در پاریس تشکیل شد، معاهده «پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس» را تصویب کرد.

1 Recommendation on the Safeguarding of Traditional Culture and Folklore

### معاهده حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس

این معاهده دربرگیرنده چهل ماده است که در آن به تبیین مفهوم میراث ناملموس و... پرداخته شده است. در بخش مقدماتی این سند، زمینه و ملاحظات تصویب آن بیان شده است. این بخش حاکی از آن است که این معاهده با توجه به نقش ارزنده میراث فرهنگی ناملموس به عنوان یکی از عوامل نزدیک‌ترکردن انسان‌ها به یکدیگر و تضمین تبادل و درک متقابل میان آن‌ها و با تصدیق این نکته شکل گرفته است که جوامع انسانی، به ویژه جوامع بومی، گروه‌ها و (در برخی موارد) افراد، نقش مهمی در تولید، پاسداری، نگهداری و بازآفرینی میراث فرهنگی ناملموس دارند و از این رو به غنای تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری کمک می‌کنند. در این بخش همچنین بیان شده است که دو فرایند جهانی شدن<sup>1</sup> و دگرگونی اجتماعی<sup>2</sup>، با وجود شرایطی که برای گفت‌وگوی مجدد میان اجتماعات انسانی فراهم می‌کنند، به پدیده عدم تسامح دامن زده‌اند و موجب بروز تهدیداتی جدی مانند زوال، محو شدن و ویرانی میراث فرهنگی ناملموس می‌شوند که این امر به واسطه نبود منابع لازم برای حفاظت از این میراث رخ می‌دهد. در این سند به اهمیت میراث فرهنگی ناملموس به عنوان انگیزه اصلی تنوع فرهنگی و تضمین‌کننده توسعه پایدار توجه شده و بر لزوم آگاهی بیشتر از اهمیت میراث فرهنگی ناملموس و پاسداری از آن، به ویژه میان نسل‌های جوان‌تر تأکید شده است. در ماده یکم این سند اهداف این معاهده چنین بیان شده‌اند: الف) پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس؛ ب) اطمینان از احترام به میراث فرهنگی ناملموس جوامع، گروه‌ها و افراد ذی‌ربط؛ ج) افزایش آگاهی از اهمیت میراث فرهنگی ناملموس در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و تضمین پاسداشت متقابل آن؛ د) فراهم کردن همکاری و کمک‌های بین‌المللی (Unesco, 2020).

### تعریف میراث فرهنگی ناملموس

با آنکه مصادیق اصطلاح میراث فرهنگی ناملموس طبق آنچه در معاهده آمده است، شامل حوزه‌هایی می‌شود که می‌توان آن را با حوزه مطالعاتی مردم‌شناسی مرتبط دانست، اما سابقه مشخصی از این اصطلاح در مطالعات علمی مردم‌شناسی وجود ندارد. ریچارد کورین مردم‌شناس فرهنگی این «اصطلاح فنی» را در میان کارشناسان و پژوهشگران تا حدودی مهجور

1 globalization

2 social transformation

یا ناملموس دانست و دلیل انتخاب آن توسط یونسکو را مشکلات فراوانی بیان کرد که فعالان فرهنگی و دانش‌پژوهان در کاربرد سوء تفاهم برانگیز چنین اصطلاحاتی در یک بستر بین‌المللی داشته‌اند: «فولکلور»، «میراث شفاهی»، «فرهنگ سنتی»، «فرهنگ بیان‌محور»<sup>۱</sup>، «شیوه زندگی»، «زندگی فولک»، «فرهنگ قوم‌نگارانه»، «فرهنگ جماعت‌محور»<sup>۲</sup>، «آداب و رسوم»<sup>۳</sup>، «میراث فرهنگی زنده» و «فرهنگ عامه»<sup>۴</sup> (Kurin, 2004: 67).

اما در پاسخ به این پرسش که این اصطلاح از کجا آمده است باید گفت میراث فرهنگی ناملموس ترجمه‌ای آزاد از اصطلاح ژاپنی *mukei bunkazi*<sup>۵</sup> به انگلیسی یا فرانسه است<sup>۶</sup> (ibid, 2007: 10). ژاپن در دوران پس از جنگ جهانی دوم، برنامه‌ای جدی آغاز کرد که مبتنی بر پیشنهاد به رسمیت شناختن و حمایت دولت از سنت‌هایی بود که میراث فرهنگی ملی را تجسم می‌بخشید. این برنامه در واکنش به این نگرانی اجرا شد که سنت‌های باستانی، سلطنتی و محلی در پی نوسازی محو و در نتیجه هویت ملی تضعیف می‌شود. دولت ژاپن در نخستین معیارسازی خود از خلال «قانون حمایت از اموال فرهنگی (۱۹۵۰)» و بازنگری آن در سال (۱۹۵۴)، مایملک فرهنگی ملموس و ناملموس و افراد را به عنوان «گنجینه‌های زنده» تعریف کرد. بر اساس این قانون همه منابع و دارایی‌های ملی باید حفاظت، قدردانی، استفاده و مدیریت شوند؛ آن هم نه برای سود تجاری، بلکه در راستای ماندگاری و بقای تمدن (ibid, 2004: 67-8). اما نخستین جایی که استفاده از اصطلاح «ناملموس» در متون استانداردساز یونسکو دیده می‌شود، اعلامیه شاهکارهای

1 expressive culture

2 community-based culture

3 customs

4 popular culture

۵ با آنکه توصیه یونسکو در سال ۱۹۸۹ عنوان فولکلور را در خود دارد، اما در معاهده میراث ناملموس، این

اصطلاح نیامده است. برای بررسی دلایل حذف اصطلاح فولکلور در معاهده رجوع شود به (Kuutma 2016)

۶ به ژاپنی 無形文化財 و به معنای دارایی فرهنگی ناملموس Intangible Cultural Property است. در قانون مزبور دارایی فرهنگی ناملموس این‌طور تعریف می‌شود: آثار نمایشی، موسیقی، هنرهای کاربردی و سایر محصولات فرهنگی ناملموس که دارای ارزش تاریخی یا هنری قابل توجهی برای ژاپن هستند. نک: Law for the Protection of

Cultural Property (Law No. 214, May 30, 1950)/ Last Amendment: Law No. 7, March 30, 2007

۷ اصطلاح ناملموس دشواری‌هایی در ترجمه به زبان‌های انگلیسی و فرانسه نیز داشته است. برای فرانسوی‌زبانان، *intangible* به معنای چیزی است که افراد مجاز به لمس آن نیستند؛ برای چنین مفهومی در زبان فرانسه از اصطلاح

*immatériel* استفاده می‌شود که در انگلیسی به معنای بی‌اهمیت است. به نقل از (Logan 2017)

میراث شفاهی و ناملموس بشری (۱۹۹۷) است که این اصطلاح همراه با عبارت «شفاهی» به کار رفته است. این اعلامیه شامل تعریف دقیقی نیست، اما مجموعه‌ای از معیارها را برای شناسایی میراث شفاهی و ناملموس ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: (۱) میراث مورد بحث به اشکال تجلیات فرهنگی عامیانه و سنتی و فضاهای فرهنگی مربوط است... جایی که فعالیت‌های فرهنگی و مردمی در آن تجمع و تمرکز می‌یابند؛ (۲) این تجلیات و فضاهای فرهنگی، الف: باید ارزش برجسته خود را به‌عنوان شاهکارهای نبوغ خلاقه بشر اثبات کنند، ب: شواهد گسترده‌ای از ریشه‌های خود در سنت‌های فرهنگی یا تاریخ فرهنگی اجتماع مربوطه ارائه دهند. ج: وسیله‌ای برای تأیید هویت فرهنگی جوامع فرهنگی خود باشند. علاوه بر این (۳) آن‌ها باید برتری در مهارت و ویژگی‌های فنی را اثبات کنند و به همان اندازه شاهدهی منحصر به فرد از سنت‌های فرهنگی زنده باشند (Francioni, 2020: 50).

ماده دوم معاهده ۲۰۰۳ به موضوع تعریف میراث فرهنگی ناملموس اختصاص یافته است. در این بخش از معاهده، نخست به معنای اصطلاح میراث فرهنگی ناملموس و سپس به معرفی نموده‌ها یا تجلیات آن پرداخته شده است. از نظر این معاهده اصطلاح «میراث فرهنگی ناملموس» به آداب<sup>۱</sup>، بازنمودها<sup>۲</sup>، بیان‌ها<sup>۳</sup>، دانش، مهارت‌ها - و نیز ابزار، اشیاء، دست‌ساخته‌ها و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها - اطلاق می‌شود که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود به رسمیت می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به‌طور مداوم توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط‌زیست، تعاملشان با طبیعت و تاریخ آن‌ها مجدداً بازآفرینی می‌شود و حس هویت و تداوم را برایشان به ارمغان می‌آورد و بدین ترتیب مروج احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری است (Unesco, 2020). در این معاهده پنج قلمرو برای میراث فرهنگی ناملموس تعریف شده است.

1 practices

2 representations

به ظاهر ارجاع به مفهوم بازنمود اجتماعی دارد. بازنمایی‌های اجتماعی، نظامی از ارزش‌ها، ایده‌ها، استعاره‌ها، باورها و شیوه‌هایی هستند که در خدمت برقراری نظم اجتماعی، جهت‌دادن به مشارکت‌کنندگان و ایجاد ارتباط میان اعضای گروه‌ها و جوامع هستند. نک: (Sammut & Howarth (2014)

3 expressions

### قلمروهای میراث فرهنگی ناملموس

طبقه‌بندی تدوین‌کنندگان معاهده برای مصادیق مختلف میراث فرهنگی ناملموس شامل پنج دسته یا گونه است که در معاهده از آن با عنوان «قلمرو»<sup>۱</sup> یاد شده است (شکل ۱). این قلمروها شامل سنت‌های شفاهی، هنرهای اجرایی، آداب اجتماعی، آیین‌ها و جشنواره‌ها، دانش و آداب مربوط به طبیعت و کیهان و صنعتگری سنتی می‌شوند. تعریف متن معاهده از قلمروها به ذکر همین موارد بالا محدود می‌شود، اما برای دریافت دقیق‌تر یونسکو از این قلمروها و حدود و ثغور یا همپوشانی آن‌ها، مناسب‌ترین منبع متونی تشریحی است که یونسکو درباره ابعاد این قلمروها در سال ۲۰۱۱ منتشر کرده است. در این متن علاوه بر تشریح قلمروها درباره سیال بودن مرز آن‌ها صحبت شده است و اینکه ممکن است از کشوری به کشور دیگر تعاریف و تفکیک این دامنه‌ها متفاوت باشد. از طرف دیگر مصادیق میراث فرهنگی ناملموس به یک تجلی واحد محدود نمی‌شوند و بسیاری از آن‌ها دربرگیرنده عناصری از قلمروهای چندگانه هستند (Unesco, 2011:3) بر اساس این متن با وجود ارائه یک چارچوب برای تعریف اشکال میراث فرهنگی ناملموس، فهرست دامنه‌های در نظر گرفته شده در معاهده به جای «مانع بودن»، تمایل به «جامع بودن» دارند که لزوماً به معنای «کامل بودن» نیست. از این رو کشورها ممکن است از نظام دیگری در تعریف دامنه‌ها استفاده کنند. در حال حاضر تنوع گسترده‌ای در این موضوع وجود دارد؛ به طوری که برخی کشورها مظاهر میراث فرهنگی ناملموس را به گونه‌ای متفاوت از معاهده تقسیم‌بندی می‌کنند و برخی دیگر نیز تقریباً دامنه‌هایی مشابه با موارد معاهده، اما با نام‌هایی دیگر به کار می‌برند. آن‌ها ممکن است دامنه‌هایی دیگر یا زیرمجموعه‌هایی جدید به دامنه‌های موجود اضافه کنند. این امر ممکن است شامل ترکیب «زیردامنه‌هایی» باشد که قبلاً در کشورها استفاده می‌شد، از جمله «بازی‌ها و سرگرمی‌های سنتی»، «سنت‌های آشپزی»، «دامپروری»، «زیارت» یا «مکان‌خاطره‌ها». (همان) در ادامه به تشریح این دامنه‌ها بر اساس منبع مورد نظر خواهیم پرداخت.

1 domain





### سنت‌های شفاهی

این قلمرو به لحاظ ترتیب نخستین قلمرو اعلامی در معاهده است و در توضیح مصادیق آن در متن تشریحی یونسکو آمده است: ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها، ترانه‌های کودکان، افسانه‌ها، اسطوره‌ها، آوازها و اشعار حماسی، افسون‌ها، دعاها، سرودها، آوازها، هنرهای اجرایی و... توجه این سند به این قلمرو از آن‌روست که سنت‌ها و شیوه‌های بیان شفاهی نقش مهمی در انتقال دانش، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و حافظه جمعی یک جامعه و در نتیجه زنده نگه‌داشتن فرهنگ‌ها دارند. برخی از شیوه‌های بیانی در بین همه اعضای یک جامعه رایج است و کل افراد از آن استفاده می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به گروه‌های اجتماعی خاص، یا شاید فقط مردان یا زنان، یا افراد مسن محدود می‌شوند (همان، ۴).

### هنرهای اجرایی

از منظر مردم‌شناختی رفتار بیان‌محور در نوع انسان، به‌واسطه اهمیتش در سازگاری انسان با محیط، بایستی از دوران کهن مهم بوده باشد و از این جهت می‌توان فرض کرد که حتی در آن زمان نیز «هنرهای نمایشی» وجود داشته است (Tax, 1979: V). موسیقی، رقص و تئاتر از جمله هنرهای اجرایی هستند که در فضا و زمان وجود می‌یابند (Royce, 2004: 12). طبق تشریح یونسکو قلمرو هنرهای اجرایی در معاهده از موسیقی‌آوازی و سازی، رقص و تئاتر تا پانتومیم و آوازخوانی را در بر می‌گیرد. یونسکو از وجه خلاقانه این هنرها و فراگیری آن در بسیاری دیگر از حوزه‌های میراث فرهنگی ناملموس گفته است. به زعم یونسکو موسیقی نقشی مهم در این قلمرو دارد، زیرا در هر

جامعه‌ای یافت می‌شود و اغلب به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از دیگر اشکال هنرهای اجرایی و سایر قلمروهای میراث فرهنگی ناملموس از جمله آیین‌ها، جشنواره‌ها یا سنت‌های شفاهی است. تنوع مناسبت‌هایی که در آن موسیقی اجرا می‌شود، جالب توجه است و کارکردهای اجتماعی متنوعی دارد. مراسمی مانند ازدواج، تشییع جنازه، آیین‌ها و مراسم تشریف‌آوردی، جشن‌ها و انواع سرگرمی‌ها مواردی هستند که موسیقی در آن‌ها نقشی محوری دارد. موسیقی و آواز ممکن است نقش فرهنگی و اجتماعی برجسته داشته باشند که آوازهای کار و موسیقی‌های آیینی از جمله این کاربردها هستند. رقص نیز از وجوه هنرهای اجرایی است که در متون یونسکو به‌عنوان مصداقی از قلمرو هنرهای اجرایی معرفی شده است. بر اساس توضیحات یونسکو رقص جدا از جنبه فیزیکی و حرکات موزون، اغلب بیانگر یک احساس یا خلق‌وخو یا نشان‌دهنده رویدادی خاص یا عمل روزانه است، مانند رقص‌های مذهبی و رقص‌هایی که بیانگر شکار، جنگ یا فعالیت‌های جنسی هستند (Unesco, 2011:6). یکی از موارد همپوشی قلمروهای میراث ناملموس، هنرهای اجرایی و صنعتگری سنتی است. غالباً هنرهای اجرایی ارتباط تنگاتنگی با اشیاء یا فضای مادی دارند. در هنرهای نمایشی این ابزار شامل آلات موسیقی، ماسک‌ها، لباس‌ها و سایر تزئیناتی هستند که در اجرای رقص یا به‌عنوان لوازم صحنه و اجرا از آن‌ها استفاده می‌شود. از طرف دیگر اغلب این هنرها در مکان‌های خاص اجرا می‌شوند و هنگامی که این فضاها ارتباط تنگاتنگی با اجرا داشته باشند، از نظر معاهده فضاها‌ی فرهنگی تلقی می‌شوند (همان)

### آداب اجتماعی، آیین‌ها و جشنواره‌ها

سومین قلمرویی که در معاهده بیان شده است، کاملاً به فعالیت‌های جمعی در یک جامعه ربط پیدا می‌کند. مصداقی اعلام شده در متون یونسکو شامل چنین مواردی می‌شوند: مناسک عبادی، مناسک گذار<sup>۱</sup>، آیین‌های تولد، عروسی و تشییع جنازه، سوگند وفاداری، نظام‌های حقوقی سنتی، بازی‌ها و ورزش‌های سنتی، خویشاوندی و تشریفات آیینی خویشاوندی، الگوهای استقراری<sup>۲</sup>، سنت‌های آشپزی، مراسم مرتبط با فصول سال، آداب مختص مردان یا زنان، شکار، ماهیگیری و ... در معاهده ۲۰۰۳ آداب اجتماعی متمایز که به‌طور خاص به یک جامعه مربوط هستند و به تقویت حس هویت و تداوم با گذشته آنان کمک می‌کند، در اولویت قرار دارند. به‌عنوان مثال،

1 initiations

2 rite of passages

3 settlement pattern

در بسیاری از جوامع، آداب خوشامدگویی و احوالپرسی شکلی خودمانی دارد، در حالی که در برخی دیگر، پرآب و تاب و تشریفاتی و نشانی از هویت یک جامعه است (همان، ۹).

### دانش و آداب مربوط به طبیعت و کیهان

این قلمرو شامل حوزه‌های متعددی مانند اینها می‌شود: حکمت بوم‌شناختی سنتی، دانش بومی، دانش درباره جانوران و گیاهان محلی، نظام‌های درمانی سنتی، آیین‌ها، باورها، مناسک تشریف، کیهان‌شناسی، شمنیسم، مناسک مالکیت، سازمان‌های اجتماعی، جشنواره‌ها، زبان‌ها و هنرهای دیداری. این قلمرو شامل دانش، فوت و فن‌ها، مهارت‌ها، آداب و بازنمایی‌هایی است که در جوامع از طریق تعامل با محیط زیست طبیعی توسعه می‌یابد. این شیوه‌های اندیشیدن به کیهان از خلال زبان، سنت‌های شفاهی، احساس تعلق به یک مکان، خاطرات، معنویت و جهان‌بینی بیان می‌شود. آن‌ها همچنین به شدت بر ارزش‌ها و باورها اثر می‌گذارند و زیربنای بسیاری از آداب اجتماعی و سنت‌های فرهنگی هستند. آن‌ها به نوبه خود از طریق محیط طبیعی و جهانی گسترده‌تر از جامعه شکل می‌گیرند (همان، ۱۲).

### صنعتگری سنتی<sup>۱</sup>

دامنه صنعتگری سنتی شاید فیزیکی‌ترین و ملموس‌ترین تجلی میراث فرهنگی ناملموس باشد. با این حال، کنوانسیون ۲۰۰۳ عمدتاً به جای محصولات صنایع سنتی به مهارت‌ها و دانش مربوط به این صنایع توجه دارد. به جای تمرکز بر حفظ اشیاء صنایع‌دستی، تلاش‌های حفاظتی باید بر تشویق صنعتگران برای ادامه تولید صنایع دستی و انتقال مهارت‌ها و دانش خود به دیگران، به‌ویژه در جوامع خود متمرکز شود. اشکال متعددی از صنایع‌دستی سنتی وجود دارد: ابزار، پوشش و جواهرات، لباس و وسایل لازم برای جشنواره‌ها و هنرهای اجرایی، ظروف ذخیره‌سازی، اشیاء مورد استفاده برای ذخیره‌سازی، حمل و نقل و ساخت سرپناه؛ هنر تزئینی و اشیاء آیینی؛ آلات موسیقی و ظروف خانگی و اسباب‌بازی‌هایی که هم برای سرگرمی و هم برای آموزش به کار می‌روند. بسیاری از این اشیاء فقط برای استفاده در مدت زمانی کوتاه مورد توجه قرار دارند؛ مانند آن‌هایی که برای مراسم جشنی خاص درست می‌شوند. با این حال ممکن است به میراثی تبدیل شوند که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (همان، ۱۴).

1 traditional craftsmanship

## تقابل‌های دوتایی و میراث فرهنگی ناملموس

### تقابل‌های دوتایی

مردم از دوران کلاسیک به ویژگی بنیادی تقابل‌های دوتایی<sup>۱</sup> اعتقاد داشته‌اند. به عنوان مثال، ارسطو در کتاب متافیزیک خود تقابل‌های نخستین را چنین مطرح کرد: شکل-ماده، طبیعی-غیرطبیعی، فعال-منفعل، کل-جزء، وحدت-کثرت، قبل-بعد و هستی-نیستی (Chandler, 2007: 92). برای رسیدن به درک روشنی از اصطلاح تقابل یا تضاد دوتایی، نخست باید به منشأ آن در نظریه ساختارگرایی سوسور توجه داشت. به گفته فردیناند دو سوسور، تقابل دوتایی «وسیله‌ای است که واحدهای زبان از طریق آن ارزش یا معنا پیدا می‌کنند؛ هر واحد در برابر آنچه نیست، تعریف می‌شود» اساساً مفهوم تقابل دوتایی از گرایش به سازماندهی همه چیز در یک ساختار سلسله‌مراتبی ناشی می‌شود. اصطلاحات و مفاهیم مربوط به این تقابل‌ها، مثبت یا منفی و بدون آزادی عمل ظاهری برای انحراف از تعریفی هستند که این تقابل‌ها می‌سازند. مواردی همچون مرد-زن، سیاه-سفید، زندگی-مرگ، درون-بیرون، حضور-غیاب و غیره (Fogarty, 2005). نکته جالب توجه اینجاست که در تعریف قطب‌های این تقابل‌ها یکی به دیگری ترجیح داده می‌شود یا حضور یکی به معنای غیاب دیگری است. در مردم‌شناسی ساختارگرا نیز تقابل دوتایی به معنای تقابل بین دو اصطلاح دوگانی (مانند طبیعت و فرهنگ، راست و چپ، مرد و زن) و نشانه تشخیصی است که با حضور یا غیاب یک ویژگی متمایز مشخص می‌شود (Barnard, 2009: 893).

اصطلاح «میراث فرهنگی ناملموس» به‌خودی‌خود بر یک تقابل بنا شده است: ملموس-ناملموس. از این‌رو بررسی ابعاد این تقابل در متون مبنایی و نیز تقریرات شارحان معاهده، گام مهمی در درک بیشتر و متمایز کردن این مفهوم است. از طرف دیگر این پرسش قابل‌آزمودن است که آیا این تقابل یک تقابل حذفی است یا آنکه قطب‌های آن نقشی مکمل دارند؟ در ادامه بحث یازده تقابل دوتایی مرتبط با میراث فرهنگی ناملموس را انتخاب کرده و به بررسی آن پرداخته‌ایم.

### مصادیق تقابل‌های دوتایی در مفهوم میراث فرهنگی ناملموس

#### شفاهی-مکتوب

سنت‌های شفاهی و نیز شیوه‌های شفاهی از جمله مفاهیم مورد توجه در معاهده میراث فرهنگی ناملموس است. در واژه‌نامه تهیه شده برای تدوین معاهده، سنت شفاهی چیزی است که دهان به

1 binary opposition

دهان منتقل می‌شود و نقش آن از حفظ کردن اطلاعات مربوط به گذشته است. همچنین در تعریف شیوه‌های بیان شفاهی، از آن‌ها به عنوان جوهی از میراث فرهنگی ناملموس نام برده شده است که از طریق گفتار یا آواز بیان می‌شود (Van Zanten, 2002: 5). بر اساس تعریفی مردم‌شناختی مفهوم سنت شفاهی با مفهوم فولکلور پیوند یافته است. سنت شفاهی بخشی از دانش فرهنگی یک جامعه یا «فرهنگ سنتی» است که به جای شکل نوشتاری به صورت شفاهی منتقل می‌شود و بنابراین در تقابل ضمنی با «سنت نویسا» یا مکتوب قرار می‌گیرد (Seymour-Smith, 1986: 212) در راستای تغییرات فرهنگی در جهان و فرایند توسعه، این بخش از فرهنگ انسانی نیز به‌طور طبیعی مورد تهدید قرار گرفته است. کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات، رادیو، تلویزیون و اینترنت می‌توانند تأثیر مخربی بر سنت‌ها و شیوه‌های بیان شفاهی داشته باشند و بدیهی است که این رسانه‌های جمعی مدرن می‌توانند به‌طور جالب توجهی اشکال سنتی بیان شفاهی را تغییر دهند یا جایگزین کنند. اشعار حماسی که زمانی روزها زمان می‌برد تا به‌طور کامل بر خوانی شوند، بازگویی‌شان به چند ساعت کاهش می‌یابد و آوازه‌های سنتی دوران نامزدی که قبل از ازدواج خوانده می‌شدند با سی‌دی یا فایل‌های موسیقی دیجیتال جایگزین می‌شوند (Unesco, 2011: 5).

### فرایند - محصول<sup>۱</sup>

در موضوع صنعتگری سنتی یا صنایع دستی به شکلی مناسب تلقی معاهده از تمرکز بر فرایند به جای محصول روشن می‌شود. در این قلمرو از قلمروهای میراث فرهنگی ناملموس، تمرکز معاهده عمدتاً به جای محصولات صنایع سنتی به مهارت‌ها و دانش مربوط به این صنایع است. از این رو در بحث فعالیت‌های حفاظتی نیز به‌جای تمرکز بر حفظ محصولات صنایع دستی، تأکید بر آن است که تلاش‌های حفاظتی بر تشویق صنعتگران برای ادامه تولید صنایع دستی و انتقال مهارت‌ها و دانش خود به دیگران، به‌ویژه در جوامع خود متمرکز شود (همان، ۱۴).

### پاسداری<sup>۲</sup> - حفاظت<sup>۳</sup>

پاسداری یکی از نکات حساس و کلیدی در معاهده میراث فرهنگی ناملموس است. پرسش اساسی این است که با چه روشی باید از میراث فرهنگی ناملموس حفاظت کرد و چه نوع

1 proces-product

2 safeguarding

3 protection

اقداماتی را باید انجام داد؟ حساسیت موضوع در این است که اینجا با پدیده‌هایی در جریان، زنده و انسان‌محور و پویا مواجه هستیم و از این رو اقدام حمایتی ممکن است موجب اختلال در شکل طبیعی این میراث شود و شکل مداخله مصنوعی به خود بگیرد. از این رو در مقابل اصطلاح «حفاظت» که برای میراث ملموس به کار رفته است، برای میراث ناملموس از اصطلاح «پاسداری» استفاده شده است. در واژه‌نامه مقدماتی معاهده با آنکه عنوان مدخل حفاظت است، اما این نکته بیان شده است که مفهوم حفاظت ممکن است برای همه جنبه‌های میراث فرهنگی ناملموس قابل اجرا نباشد و بنابراین، برای مقاصد معاهده، اصطلاح «پاسداری» مورد تأیید قرار گرفته است (Van Zanten, 2002: 6). در متن معاهده نیز «پاسداری» به معنای اقداماتی در نظر گرفته شده که با هدف تضمین بقای میراث فرهنگی ناملموس انجام می‌شود و دربرگیرنده مواردی چون شناسایی، مستندسازی، تحقیق، حراست، حفاظت، ترویج، ارتقاء، انتقال (به‌ویژه از طریق آموزش رسمی و غیررسمی) و نیز احیای جنبه‌های مختلف چنین میراثی است (Unesco, 2020:6) به تعبیر بوکوا رئیس اسبق یونسکو، حفاظت به معنای کشیدن حصار در اطراف یک عنصر خاص بیانی و جدا کردن آن از بافت و گذشته‌اش و در نتیجه کاهش کارکرد یا ارزش اجتماعی آن است، در حالی که پاسداری شامل حفاظت از ماهیت، ارزش و عملکرد زنده آن است (Bokova, 2011: vi). حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس امری چالش‌برانگیز است، زیرا به تعبیری حفاظت از یک جهان‌بینی یا نظامی از باورها از حفظ یک محیط طبیعی دشوارتر است. از طرف دیگر فراتر از چالش‌های موجود بیرونی برای یک فرهنگ، به‌واسطه فرصت‌هایی که توسعه فراهم می‌کند، بسیاری از جوامع محروم یا به حاشیه‌رانده‌شده، خودشان تمایل به یک سبک زندگی یا یک الگوی توسعه‌یافته صرفاً اقتصادی دارند که از سنت‌ها و آداب و رسوم آنان فاصله دارد (Unesco, 2011: 13).

### جهان‌شمول‌گرایی<sup>۱</sup> - نسبی‌گرایی<sup>۲</sup>

دوگانی دیگر در بحث میراث فرهنگی ناملموس که ریشه‌های نظری فلسفی و مردم‌شناختی دارد، تقابل رویکرد جهان‌شمول با رویکرد نسبی‌گرا در مواجهه با مقوله فرهنگ است. از منظر مردم‌شناسی، نسبی‌گرایی فرهنگی بر این اصل استوار است که تفسیر هر فرد از تجربه‌اش بر

1 universalism

2 relativism

اساس پس‌زمینه، چارچوب مرجع و هنجارهای اجتماعی او شکل می‌گیرد و این عوامل بر ادراک و ارزیابی‌های او تأثیر می‌گذارند. از این رو نمی‌توان مقیاسی یکسان از ارزش‌ها برای همه جوامع انسانی به‌کار گرفت (Winick, 2021). در مقابل جهان‌شمول‌گرایان سعی می‌کنند مشترکات و شباهت‌ها (یا حتی جهانی‌ها) را بین جوامع مختلف شناسایی کنند. در حالی که یک نسبی‌گرا بر منحصر‌به‌فرد و خاص بودن هر جامعه یا فرهنگ تأکید دارد (Eriksen, 2013: 2). این تفاوت نگاه در دو معاهده ۱۹۷۲ و ۲۰۰۳ آشکار است؛ در معاهده میراث فرهنگی جهانی ۱۹۷۲ سخن از برجسته بودن آثار است و معیارهای تشخیص آن کمابیش مورد اجماع فنی است، اما منحصر به فرد بودن یا تک‌بودگی<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های میراث فرهنگی ناملموس است و تنوع فرهنگی نیز به عنوان فرهنگ تک‌بودنی‌ها در نظر گرفته می‌شود و ارتباط ضعیفی با هر گونه فرض جهانی‌شمولی<sup>۲</sup> دارد (Machuca, 2013: 61). با وجود این، معاهده میراث فرهنگی ناملموس فارغ از رویکرد جهان‌شمول‌گرایانه نیست؛ چنان که عدم تعارض مصادیق میراث فرهنگی ناملموس با اعلامیه جهانی حقوق بشر یکی از شروط معاهده است، اعلامیه‌ای که از موضوعات مورد مناقشه نسبی‌گرایان فرهنگی است (Kurin, 2004). از طرف دیگر رسیدن به نگاهی فراگیر در تعاریف، بی‌نیاز از طرز تلقی جهان‌شمول‌گرایانه نیست. برای مثال ماده دوم، معاهده میراث را «عملکردها، بازنمایی‌ها، بیان‌ها، دانش‌ها، مهارت‌ها - و نیز ابزارها، اشیاء، مصنوعات و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها» تعریف می‌کند که می‌توان آن را مفهومی جهان‌شمول‌گرایانه در نظر گرفت. از طرف دیگر معاهده خصلت نسبی‌گرایانه فرهنگی دارد، زیرا در آن این تعریف با ذکر این نکته تکمیل می‌شود که این موارد را «جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد آن به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند» (Pfeilstetter, 2017: 611).

### مادی - غیرمادی

فرهنگ مادی شامل مجموع یا فهرستی از فناوری و مصنوعات مادی یک گروه انسانی، از جمله عناصر مربوط به فعالیت‌های معیشتی و نیز مواردی است که برای اهداف زینتی، هنری یا آیینی تولید می‌شوند (Seymour-Smith, 1986: 183). توجه یونسکو تا پیش از معاهده ICH بر حفظ مظاهر مادی فرهنگ متمرکز بود. این رویکرد به‌ویژه در بناهای معظم تاریخی و محوطه‌های

1 singularity

2 universality

باستانی متمرکز بود. برخی این نگاه در به رسمیت شناخته شدن میراث فرهنگی را ناشی از ریشه‌های غربی تلقی از میراث فرهنگی می‌دانند. زیرا باور بر این بوده است که میراث فرهنگی بشریت در محصولات مادی و برجسته هنر و معماری تجسم می‌یابد و چنین نگاهی مانع از آن شد که بخش غیرمادی فرهنگ، سهمی در حقوق بین‌الملل داشته باشد (Lenzerini, 2011:103). با آنکه معاهده میراث فرهنگی ناملموس حرکتی در فاصله گرفتن از این نگاه بوده است، اما برای بسیاری از جوامع، حتی تفکیک ملموس از ناملموس کاملاً مصنوعی به نظر می‌رسد و تقریباً بی‌معناست. برای مثال، در میان بسیاری از جوامع محلی و بومی یک سرزمین خاص، کوه‌ها، آتشفشان‌ها، غارها و سایر نمودهای مادی و ملموس طبیعی متناسب به معانی ناملموسی می‌شوند که به طور ذاتی با مادیت فیزیکی آن‌ها مرتبط است (Kurin, 2004: 70) در سطحی دیگر معاهده میراث ناملموس به همبستگی دو وجه تقابل میراث مادی-غیرمادی قائل است. بدین معنا که نسبت به اشیای مادی بی‌توجه نیست، بلکه بر وجه مغفول در حمایت از مصنوعات فرهنگی تأکید دارد: مهارت و هنر سنتی خلق یا تولید این محصولات. برای مثال مهارت و هنر فرش‌بافی ایرانی یا ویولن‌سازی در شهر کرمونای ایتالیا را نمی‌توان از کیفیت فوق‌العاده محصولات ناشی از این هنر و مهارت جدا کرد. علاوه بر این کارکرد، اشیاء مادی ممکن است از جمله ابزار لازم برای انجام مراسم، آیین‌ها یا هنرهای اجرایی باشند؛ برای نمونه می‌توان از عروسک‌هایی نام برد که برای اجرای تئاتر عروسکی ساخته می‌شوند (Francioni, 2020: 55).

### پویایی-ایستایی<sup>۱</sup>

با فرض آنکه معاهده ۱۹۷۲ بخشی از میراث فرهنگی را نادیده گرفته است، چه نامی بر این بخش مغفول می‌توان گذاشت؟ برخی پژوهشگران معتقدند که تفکیک میراث مادی و غیرمادی چندان در فهم و شناسایی میراث فرهنگی موجه نیست. آنان دوگانگی کلیدی را نه مادی-غیرمادی، که ایستایی-پویایی می‌دانند. به زعم آنان در واقع، میراث ملموس به محصولات مادی خلاقیت انسانی اطلاق می‌شود که پیشتر ایجاد شده و متحمل دگرگونی اندک شده یا بدون تغییر مانده‌اند. آن‌ها را می‌توان مهم دانست، تحسین و حفاظت کرد و برای بهره‌مندی و خرسندی نسل‌های کنونی و آینده به کار برد. این میراث علائم و نشانه‌هایی از بافت اجتماعی-تاریخی

1 dynamic-static



خاص خود هستند که دست‌نخورده باقی مانده‌اند (حداقل در حالت ایده‌آل)، نقش شاهدان دوران پیش از ما را ایفا می‌کنند و بنابراین ما را در برگرفته‌اند، هر چند آن دوران دیگر حضور ندارد. در مقابل، میراث فرهنگی ناملموس، پویا و پیوسته در حال حرکت است، در زمان حاضر حیات دارد و زنده است، همچنانکه در زمان چندین نسل قبل چنین بوده است. چیزی که آن را حفظ می‌کند و موجب انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌شود، توانایی آن در دگرگونی خود، سازگار شدن با وضعیت جدید توسط کاربرانش و پذیرش عناصر و معانی تازه در شرایطی است که حاملانش، دگرگونی را از سر می‌گذرانند (Amescua, 2013: 105).

### تشخیص بیرونی-تشخیص درونی

تعریف مختصر معاهده ۱۹۷۲ از میراث فرهنگی مبتنی بر مواردی است که معیار ورود آن‌ها به فهرست میراث جهانی همگی مبتنی بر یک صفت است: برجسته. به این معنا که اثر مزبور طی فرایندهای مشخصی باید بر اساس معیارهای معلوم، اثری خاص و برجسته شناخته شود؛ طبعاً این فرایند ناشی از نگاه ناظر بیرونی به میراث فرهنگی است و نوعی قطعیت در تشخیص را در بر می‌گیرد که در نگاه جهانشمول به مقوله میراث ریشه دارد. اما به تعبیری شالوده یا پارادایم میراث فرهنگی ناملموس تا حدودی با معاهده ۱۹۷۲ متفاوت است. همان‌طور که گفته شد، «میراث ناملموس» نتیجه دیدگاه نسبی‌گرایی فرهنگی است و به تعبیری تحت تأثیر گرایش‌های پست مدرنیستی قرار گرفته است. اگر میراث جهانی «ارزش برجسته جهانی» را تعیین و ترویج می‌کند، میراث فرهنگی ناملموس به‌نوبه خود «نماینده‌گری»<sup>۱</sup> را در کنوانسیون‌های نظارتی نظام‌های فهرست یونسکو نشان می‌دهد. از این رو مفهوم «میراث فرهنگی ناملموس» شامل یک رویکرد بازتابی<sup>۲</sup> است که به «عامل انسانی» بستگی دارد؛ زیرا فرض می‌شود که قابلیت میراث توسط «حامل» آن ایجاد می‌شود (Kuutma, 2013: 8). در یک قیاس دیگر می‌توان به اهمیت و نقش گروه‌های مردمی در فرایندهای مختلف و حتی به رسمیت شناختن و اعتبار بخشیدن به میراث فرهنگی ناملموس سخن گفت. بر اساس معاهده ۱۹۷۲، میراث فرهنگی باید دارای ارزش برجسته جهانی و ماهیت اصیل و معتبری باشند و کارشناسان و مدیران پایگاه‌های میراث فرهنگی، نقشی مهم در شناسایی و حفاظت از میراث فرهنگی دارند. اما در معاهده ۲۰۰۳،

1 representativeness

2 reflexive

نمودهای میراث فرهنگی منوط به شناسایی و به رسمیت شناخته شدن آن توسط مردم جوامع به‌عنوان میراث فرهنگی خود هستند. بر اساس معاهده ۲۰۰۳ عوامل بیرونی نقش حمایتی دارند و همکاری کارشناسان فقط به‌عنوان میانجی یا تسهیل‌کننده است (Unesco, 2021). از این‌رو به گفته رئیس وقت یونسکو، معاهده میراث ناملموس بر نقش «ذهنی»<sup>۱</sup> جوامع در تعریف و شناخت ارزشی تأکید دارد که باید به میراث فرهنگی ناملموس داده شود (Bokova, 2011: v). از این جهت میراث فرهنگی جوامع، نه از طریق یک ناظر بیرونی که آنان را ابژه شناخت و تشخیص خود می‌کند، بلکه بر اساس تلقی و نگاه درونی یک جماعت انسانی، به رسمیت شناخته می‌شود.

### جهان شمالی - جهان جنوبی<sup>۲</sup>

دوگانی دیگر در فهم بیشتر معاهده را می‌توان تقسیم‌بندی جهان به شمال و جنوب از منظر رفاه و توسعه دانست؛ نوعی از تفکیک که الزاماً به معنای دقیق کلمه جغرافیایی نیست. تعریف پیشینی یونسکو از میراث فرهنگ جهانی در عمل به جایی رسید که به تعبیر مدیر کل وقت یونسکو عدم توازن جغرافیایی در توزیع محوطه‌های موجود در فهرست میراث جهانی به وجود آمد. این آثار به‌طور گسترده‌تری نماینده «شمال» بودند و نشان‌دهنده ضعفی در نظام یونسکو، که با تمرکز بر حفاظت از میراث ملموس، میراث ناملموس را نادیده می‌گرفت و بنابراین بسیاری از فرهنگ‌ها را که در نقشه تنوع فرهنگی اغلب به جنوب تعلق دارند، کنار می‌گذاشت (Aikawa, 2004:145)

### جماعت محور - فردمحور

نکته دیگر در معاهده میراث ناملموس توجه به نقش جماعت‌های انسانی یا افراد مرتبط با این گروه‌ها به جای توجه صرف به اشخاص است. بر اساس بند ۲ از ماده ۱ معاهده، هیچ میراث فرهنگی ناملموسی بدون اجتماع، گروه یا در برخی موارد افرادی که چنین میراثی را ایجاد، اعمال، نگهداری و منتقل می‌کنند، وجود ندارد. این عنصر بیانگر ابعاد انسانی و مؤلفه اجتماعی است که وجه ممیز میراث فرهنگی ناملموس از اشکال معمول میراث فرهنگی مادی و فیزیکی است که تحت حمایت کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار دارند. علاوه بر این با نقش مهمی که برای

1 subjective

2 northern world-southern world

جوامع فرهنگی در بسیاری از دیگر مفاد کنوانسیون در نظر گرفته شد، محوریت عنصر اجتماعی در تعریف میراث فرهنگی ناملموس، تصدیق می‌شود (Francioni, 2020: 53).

### مرزهای فرهنگی-مرزهای سیاسی

کشورهای عضو معاهده موظف به اطمینان از مشارکت گسترده جماعت‌ها در تهیه پرونده‌های نامزدی و اقدامات حفاظتی هستند و باید اعلام رضایت قبلی و آزادانه این جوامع را برای ارسال پرونده دریافت کنند. از آنجایی که مرزهای سیاسی الزاماً با مرزهای فرهنگی تطابق ندارند، در مواردی یک نمونه فرهنگی در کشورهای مختلف بروز می‌یابد؛ زیرا اجتماعی که به عنوان دارنده میراث فرهنگی ناملموس شناخته می‌شود، لزوماً به قلمرو یک کشور واحد، محدود نیست. از این رو مظاهری از میراث فرهنگی ناملموس وجود دارد که به کشورهای متعدد مرتبط است. نمونه‌ها فراوان است؛ از رژیم غذایی مدیترانه‌ای (یونان، ایتالیا، مراکش و اسپانیا) گرفته تا رقص تانگو (آرژانتین و اروگوئه)، هنر بازداری (مشترک بین یازده کشور) و میراث شفاهی مردم زاپارا<sup>۱</sup> (اکوادور و پرو) (Francioni, 2020: 53) و نورو که به عنوان میراث مشترک دوازده کشور به ثبت رسید. از این رو نامزدها یا درخواست‌ها برای مساعدت بین‌المللی توسط چندین کشور، به شدت مورد تشویق قرار می‌گیرند، زیرا بسیاری از عناصر میراث فرهنگی ناملموس در قلمرو چندین کشور وجود دارد و توسط جماعتی اعمال می‌شود که در چندین کشور مستقر شده‌اند؛ خواه هم‌جوار باشند یا نباشند (Unesco, 2021).

### امتداد در زمان-گذشته محور بودن

انتقال از گذشته و حضور زنده در حال از مختصات تعریفی میراث فرهنگی ناملموس است. از این رو همچون میراث ملموس، چیزی نیست که در گذشته ساخته و تثبیت شده و به زمان حال رسیده باشد. میراث فرهنگی ناملموس به شکلی پویا و خودجوش از گذشته به حال رسیده است و در یک روند طبیعی و بستری مناسب باید همان طور که از گذشته به امروز رسیده است، در زمان امتداد پیدا کند و به نسل‌های بعدی برسد. از این رو می‌توان بعدی فرازمانی برای میراث فرهنگی ناملموس قائل شد. بر اساس معاهده «از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به‌طور مداوم

۱ Sápara که به Zápara یا Záparo نیز معروف است، به مردم بومی ساکن جنگل‌های آمازون گفته می‌شود که از نظر جغرافیای سیاسی در امتداد مرز کشورهای اکوادور و پرو ساکن هستند.

توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط‌شان و تعامل آن‌ها با طبیعت و تاریخ‌شان بازآفرینی می‌شود و به آن‌ها حس هویت و تداوم می‌بخشد» به عبارت دیگر، میراث فرهنگی ناملموس در زمان ایستا و تغییرناپذیر نیست و در معرض فرگشتی پویا است و در عین حال استمرار یک پیکره اجتماعی را فراتر از حیات بیولوژیکی آن فراهم می‌کند (Francioni, 2020: 53).

### پایداری دوگانی‌ها و تقابل‌ها

پرسش این است که آیا این تقابل‌ها، پایدار هستند؟ و این تضادها موجب تضعیف یکدیگر می‌شوند؟ مروری بر تقابل‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد که هر وجه تهدید یا عامل حذف وجه دیگر نیست و در کل توجه به میراث غیرمادی به معنای حذف میراث مادی نیست و اساساً این دو همبسته یکدیگرند و چه بسا تفکیک آن‌ها از یکدیگر امری برساخته است. بدیهی است که این تقابل‌ها بیشتر جنبه تکمیلی دارند تا یک مواجهه. ژاک دریدا درباره شالوده‌شکنی یک تقابل از «براندازی سلسله‌مراتب در یک لحظه قطعی» سخن می‌گوید که به معنای واژگونی «ساختار تعارضی و انقیادی تقابل» است (Derrida, 1981: 41). می‌توان گفت پارادایم این معاهده به‌نوعی تلاش برای شالوده‌شکنی تقابل‌های دوتایی در زمینه میراث فرهنگی است. پارادایمی که نه در جدال با پارادایم مادی نسبت به میراث، بلکه تا حدودی در حال تثبیت جایگاه خود در عرصه فرهنگ جهانی و رسمیت بخشیدن به آن است. از این رو نکات مطرح‌شده در جمع‌بندی کنفرانس «میراث فرهنگی ملموس - ناملموس: دوگانگی پایداری؟» درباره مفهوم میراث ناملموس برای ما روشن‌تر می‌شود. در این کنفرانس بر این تأکید شده است که مفهوم لغزانی مانند میراث فرهنگی به جای رویکرد تقابلی، نیازمند رویکردی دیالکتیکی بین مادیت و غیرمادی است. زیرا فرهنگ مادی را فقط می‌توان به‌طور کامل در بافت قابلیت آن برای کنش اجتماعی یا معرفت‌شناختی درک کرد. بدین ترتیب مبانی مفهومی میراث مادی که بخش زیادی از هویت فرهنگی خود را مدیون آن هستیم، (فارغ از ضرورت‌های حفظ و نگهداری) بدون اشیاء و فضاهایی که به آن‌ها تعلق دارند، نمی‌توانند وجود داشته باشند (Charlotte, 2007: 128).

### نتیجه‌گیری

با آنکه میراث فرهنگی ناملموس، پدیده‌ای نوظهور در معاهدات حفاظتی بین‌المللی از فرهنگ بشری است، اما به وجوهی از فرهنگ بشری ربط می‌یابد که دارای قدمت و تداوم هزاران ساله

هستند. برای درک بیشتر این مقوله در این مقاله از مفهوم تقابل‌های دوتایی استفاده شد تا به نوعی شناسایی دقیق و هویت‌یابی این مفهوم میسر شود و از طرف دیگر، ماهیت این تقابل بررسی گردد. از این رهگذر یازده تقابل دوتایی بررسی شد و مشخص گردید که میراث فرهنگی ناملموس در وجوه مختلف جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و... خود را متمایز می‌کند. این تمایز را می‌توان به تعبیری ناشی از سیطره یک پارادایم جدید در تعریف و تلقی از میراث فرهنگی نامید که تلقی‌های پیش از این معاهده از میراث را به چالش می‌کشد. به عبارت دیگر آنچه تاکنون در حاشیه بوده است، به متن می‌آورد. چه این حاشیه ناشی از سلسله‌مراتب سیاسی اقتصادی باشد و چه ناشی از تعریفی علمی از مقوله میراث فرهنگی. از طرف دیگر تقابل اجزای میراث فرهنگی ناملموس با قطب‌های دیگرشان، تقابل جدالی و نفی‌کننده نیست. این موضوع هم در ماهیت پیوسته میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، به‌ویژه در تلقی‌های غیرغربی، آشکار است و هم تدوین‌کنندگان این معاهده خود به این موضوع اذعان دارند که این معاهده نقشی تکمیلی در تعامل با میراث فرهنگی ملموس دارد. از این رو برای این تقابل‌ها می‌توان ماهیتی دیالکتیکی یا حتی گفت‌وگویی در نظر گرفت؛ به این معنا که تعامل و گفت‌وگوی این تقابل‌ها با یکدیگر و جنبه تکمیلی آن‌ها امری بدیهی به نظر می‌رسد و توجه به میراث فرهنگی ناملموس بیش از هر چیز برجسته‌سازی ماهیت زنده، اجتماعی و پویای فرهنگ بشری است که حفاظت از آن نیز به‌واسطه این مشخصات، ملاحظات و توجه ویژه خود را می‌طلبد.

## منابع

- بلیک. ژ. الیزابت (۱۳۹۳). کلیدی‌ترین نقش از آن زنان است (مصاحبه). در: گنج زنده. ویژه‌نامه اجلاس و جشنواره بین‌المللی میراث فرهنگی ناملموس اصفهان
- Aikawa, N. (2004). **An Historical Overview of the Preparation of the UNESCO International Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage.** International Museum. 56(1-2): 137-149
- Amescua, C. (2013). **Anthropology of Intangible Cultural Heritage and Migration: An Uncharted Field.** In: Anthropological Perspectives on Intangible Cultural Heritage. Heidelberg: Springer. Pp: 103-120
- Andrews, C., Dacia, V.R., Britt, B., Benjamin, M. (2007). **Conference Report: Tangible-Intangible Cultural Heritage: A Sustainable Dichotomy? The 7th Annual Cambridge Heritage Seminar.** International Journal of Intangible Heritage. 02: 122-129
- Barnard, A.A. (2009). **The Routledge Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology.** Routledge

- Blake, J. (2001). **Preliminary Study into the Advisability of Developing a New Standardsetting Instrument for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage.** Intangible Cultural Heritage .Working Definitions
- Bokova, I. (2011). Foreword. In: UNESCO, **Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage.** Pp: V-VII
- Chandler, D. (2007). **Semiotics: the Basics.** Routledge
- Charlotte Andrews, D. V.R. (2007). **Conference Report: Tangible-Intangible Cultural Heritage: A Sustainable Dichotomy? the 7th Annual Cambridge Heritage Seminar.** International Journal of Intangible Heritage. 2: 122-129
- Derrida, J. (1981). **positions.** (J.L. H. Scarpetta. Interviewer) University of Chicago Press
- Eriksen, T.H. (2013). **A History of Anthropology.** Pluto Press
- Fogarty, S. (2005). **Binary Oppositions.** Retrieved from **The Literary Encyclopedia:** First published 15 February 2005  
[https://www.litencyc.com/php/stopics.php?rec=true&UID=122, accessed 08 December 2021.]
- Francioni, F. (2020). **Defining Intangible Cultural Heritage;A Commentary.** In: J. &. Blake. Intangible Heritage Convention: A Commentary. Oxford University Press. Pp: 48-57
- Kurin, R. (2004). **Safeguarding Intangible Cultural Heritage in the 2003 UNESCO Convention: A Critical Appraisal.** Museum international. 56(1-2): 66-77
- (2007). **Safeguarding Intangible Cultural Heritage: Key Factors in Implementing the 2003 Convention.** International Journal of Intangible Heritage. 02: 9-20
- Kuutma, K. (2013). **Concepts and Contingencies in Heritage Politics. In Anthropological Perspectives on Intangible Cultural Heritage.** Heidelberg: Springer. Pp: 1-15
- (2016). **From Folklore to Intangible Heritage: A Companion to Heritage Studies.** Pp: 41-54
- Lenzerini, F. (2011). **Intangible Cultural Heritage: The Living Culture of Peoples.** European Journal of International Law. 101-120
- Logan, W. (2017). **UNESCO Heritage-Speak: Words, Syntax and Rhetoric.** In: Intellectual Property, Cultural Property and Intangible Cultural Heritage. Pp: 21-49
- Machuca, J.A. (2013). **Challenges for Anthropological Research on Intangible Cultural Heritage.** In: Anthropological Perspectives on Intangible Cultural Heritage. Heidelberg: Springer. Pp: 57-69
- Pfeilstetter, R. (2017). **Culture in Heritage: On the Socio-Anthropological Notion of Culture in Current Heritage Discourses.** Anthropos. Pp: 609-616
- Royce, A.P. (2004). **Anthropology of the Performing Arts: Artistry, Virtuosity, and Interpretation in a Cross-Cultural Perspective.** Rowman Altamira
- Sammut, G., Howarth, C. (2014). **Social Representations.** In: Teo, Thomas (ed.). Encyclopedia of Critical Psychology. New York, NY: Springer. Pp: 1799-1802
- Seymour-Smith, C. (1986). **Macmillan Dictionary Of Anthropology.** Macmillan ref. books
- Smith, L.A. (2009). **Introduction.** In: N. Akagawa, L. Smith. Intangible Heritage. London: Routledge. Pp: 1-10
- Tax, S. (1979). General Editor's Preface. In: J.a. Blacking. **Performing Arts: Music and Dance.** Mouton Publishers. Pp: V-VII
- Unesco (2011). **Intangible Cultural Heritage Domains.** Infokit
- (2020). **Basic Texts of the 2003 Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage**

----- (2021). **Frequently Asked Questions**. Retrieved from [ich.unesco.org](https://ich.unesco.org):  
<https://ich.unesco.org/en/faq-00021>

----- **Basic Texts of the 1972 World Heritage Convention**.

Van Zanten, W. (2002). **Glossary Intangible Cultural Heritage**. The Netherlands National Commission for UNESCO. The Hague 4

Winick, C. (2021). **Dictionary of Anthropology**. Rowman & Littlefield